

به نام خدا

## پنگوئن نباش!

یک پنگوئن در آخرین لحظات عمرش حین فرار از دست یک شیر دریایی به فرزند خود اینگونه وصیت کرد:

"فرزندم! وقتی یک هیكل سنگین با پاهایی کوتاه داری و تُبَنایی که تا زانو پایین آمده که راهی برای فرار از دشمن نداری و وقتی که برای دفاع از خود دو تا بالچه بیشتر نداری که سرهم به اندازه یک دمپایی هم نیست؛ بدان و آگاه باش که یک لقمه چرب بیش نیستی! لذا هرگز در اطراف شیرهای دریایی قدم نزن و با آنها شوخی و معاشرت نکن و برایشان هیچگونه مزاحمتی هم ایجاد نکن. دلبندم! با آنها هرگز همسایه نشو که اگر شدی منتظر باش تا هر وقت معده آنها احساس ضعف و گرسنگی کرد، تو این ضعف را باید برطرف کنی!"

حکایت دنیای امروز ما هم همین است. اگر پنگوئن باشی دو راه بیشتر نداری: یا همواره در حال ترس و فرار باشی یا یک لقمه چرب. باید بتوانی شیر دریایی باشی. شاید کسی بگوید توانایی آن را ندارم. باید به او گفت که اگر شیر نیستی حداقل "خارپشت" باش تا لقمه سهل الحلقومی برای شکارچی نباشی!

در دنیای امروز، توانایی دفاع از خود یک ضرورت مهم است چراکه دسترسی و دست اندازی به یکجای دنیا از آن سر دنیا هم ممکن شده است. در همین دو جنگ جهانی دیدیم که چگونه در دعوای بزرگان، کوچکترها زیر دست و پا له شدند مثلا همین ایران خودمان در دو جنگ جهانی علی رغم اعلام بی طرفی، از شمال و جنوب توسط بیگانگان بطور کامل اشغال شد یا در جنگ جهانی اول که ۶-۹ میلیون ایرانی (که تقریبا معادل نصف جمعیت ایران در آن زمان بود) بر اثر بیماری و قحطی ناشی از غارت بیگانگان کشته شدند. همین امروز هم می بینیم که چگونه کشورهای ضعیف بطور ناخواسته درگیر جنگ‌های نیابتی کشورهای ابرقدرت شده و پس از آنها کشورشان تجزیه می شود مانند جنگ یوگسلاوی و اخیرا هم سوریه و عراق و اوکراین.

در ادبیات سیاستمداران کشورهای ابرقدرت، واژه‌هایی مانند "باید، لازم است، اجبارا و جملات دستوری و امری" به وفور شنیده می شود چون آنها می دانند که در صورت بروز بن بست سیاسی در یک موضوع، یک ناوگان قدرت نظامی در دریا منتظر دستور سیاستمداران خود است تا در هر نقطه‌ای از دنیا حضور یابد و خواسته سیاستمداران خود را به طرف مقابل تحمیل کند. ولی برای کشورهای ضعیف چگونه است؟ آنها بیشتر از واژه‌هایی مانند "لطفاً، اگر ممکن است، اگر صلاح می دانید و جملات خواهشی و التماسی" را استفاده می کنند چون می دانند که حتی یک لنج چوبی هم در دریا انتظار دستورات آنها را نمی کشد!

در دنیای امروز، قدرت نظامی داشتن به خرید تسلیحات نظامی نیست بلکه به در اختیار داشتن دانش فنی‌ای است که با اتکا بر آن بتوان هر نوع محصول نظامی را تولید کرد. مثلا عربستان دارای بودجه نظامی ۶۰ میلیارد دلار و بودجه نظامی ایران ۶ میلیارد دلار است یعنی یک دهم بودجه عربستان ولی با این وجود، ایران از عربستان قوی تر است و محصولات نظامی متعدد و پیشرفته‌ای دارد. این مسئله برای کارشناسان نظامی دنیا باعث تعجب و سوال است که ایران چگونه با این بودجه نظامی اندک تا این حد محصولات

پیشرفته نظامی دارد؟. در حقیقت باید گفت که وقتی کشور با تکیه بر دانش مهندسان و دانشمندان خود اقدام به طراحی و ساخت محصولات نظامی می‌کنند در واقع قیمت به کمتر از یک دهم میرسد. ارزش افزوده محصولات نظامی کاملاً غیرخطی و تصاعدی است که وابسته به نوع محصول از ۱۰ تا ۲۰۰ برابر !! تغییر می‌کند. مثلاً اگر قیمت یک نوع زیردریایی در بازار تسلیحاتی دنیا ۵۰۰ میلیون دلار باشد (البته اگر فروخته شود!) هزینه طراحی و ساخت و مونتاژ آن بعلاوه کلیه هزینه‌های جانبی بیش از ۲۰ میلیون دلار نیست. به همین دلیل است که کشورهای مثل آمریکا و روسیه و فرانسه در بازار فروش تسلیحات بسیار مصرانه حضور دارند چون ارزش افزوده حاصل از آن با هیچ صنعتی قابل مقایسه نیست. در واقع پولی که در قبال فروش تسلیحات اخذ می‌شود پول آن محصول نیست بلکه پول آن امنیتی است که برای آن کشور به ارمغان می‌آورد. رمز پیشرفتهای نظامی ایران هم در همین است. ایران بجای خریدهای کلان تسلیحاتی و فنا دادن بودجه کشور، اقدام به تاسیس پژوهشکده‌های متعدد نظامی کرده که خروجی دانش فنی کسب شده توسط آنها، محصولات نظامی بومی با هزینه واقعی است نه هزینه‌های کاذب آنچنانی.

با این حال باز هم برخی کشورها و افرادی که از قدرت روز افزون نظامی ایران در هراسند ایران را به زیاد بودن بودجه نظامی متهم می‌کنند!. یک پاسخ از خود رئیس‌جمهور سابق آمریکا برای آنها کافیتست. در یک سخنرانی جورج بوش در یکی از دانشگاه‌ها، یک دانشجو از وی می‌پرسد که چرا بودجه نظامی آمریکا اینقدر بالاست (بودجه در حدود ۶۰۰ میلیارد دلار) در حالیکه می‌دانیم که پس از جنگ سرد این تسلیحات هرگز به کار نخواهند آمد. که جورج بوش پاسخ می‌دهد " ما این تسلیحات را تولید نمی‌کنیم که حتماً از آنها استفاده کنیم. همین که دشمنان خود را مجاب کنیم که قدرت نظامی ما بالاست و در صورت درگیری نظامی، تاوان سنگینی باید بدهند همین برای ما کافیتست... (در صورت بروز جنگ) هزینه یک روز جنگ در نبردهای آینده معادل مجموع کل بودجه نظامی تاریخ آمریکاست!. پس می‌بینیم که ما مجبور به بالا بردن بودجه نظامی خود هستیم!!". البته ما همه می‌دانیم که این پاسخ تاجه حد فریبکارانه است ولی باز هم نکات جالبی در آن نهفته است برای کسانی که معتقد هستند بودجه نظامی کشور باید حذف شود یا کاهش یابد! ظاهراً برای عده‌ای چیزی به نام «دفاع از خود» معنی و مفهومی ندارد.

ایران، امروز به پشتوانه «دانش فنی» کسب شده توسط جوانان با استعداد خود در جایگاهی ایستاده است که از امنیت و تمامیت ارضی خود بطور قاطع دفاع می‌کند و معتقدم که ایران امروز، نه پنگوئن، نه یک خارپشت که خور یک شکارچی قهار است.

خداوند عزت این مردم را مستدام بدارد و هرگز باز نگردد آن دوران زوال و سستی .... آمین.